



<http://www.arianafghanistan.com>



۲۰۱۹/۰۳/۲۳



م، نعیم بارز

صلح امریکا با طالبان، به مفهوم معامله چوپان با گرگان!

بخش دوم و اخیر

رهبران دولت امریکا که برای کشور و مردم خود آزادی، دیموکراسی و ترقی می‌خواهند و برای کشور دیگری دیکتاتوری و نظام طالبانی. به باور من آزادیخواه و دیموکرات شناخته نمی‌شوند

*** * ***

در پیوست به قسمت اول که آنرا نیز به کمک لینک آتی می‌خوانید،

http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/Barez_naym_solh_usa_maamelae_gorg_wa_tshopaan_1.pdf

لینک نکاتی چند پیرامون دولت افغانستان:

بعضی‌ها می‌پرسند در «مذاکرات صلح امریکا و طالبان» جایگاه دولت افغانستان در کجاست؟ و یا چرا وجود دولت در مذاکرات صلح کاملاً نادیده گرفته شده است؟

باید یاد آور شد که پس از سقوط نظام طالبانی به وسیله قوای هوایی امریکا و پیاده نظام افغان و بعد تشکیل حکومت مؤقت زیر نظر سازمان ملل متحد، تشکیل لویه جرگه، تدوین قانون اساسی و انتخابات ولسی جرگه و ریاست جمهوری که دو دوره آقای حامد کرزی به حیث رئیس جمهور در رأس هر سه نهاد دولت قرار داشت و جنگسالاران از آغاز تا سال ۲۰۱۴ در تمام نهادها و مقامات مهم نیز قرار داشتند و در توان آقای کرزی نبود که وجود هر یک از گروه‌های مسلح را نادیده گیرد. امریکایی‌ها نیز کنار زدن گروه‌های مسلح قومی را به سود خود و نیروهای ائتلاف بین‌المللی نمی‌دیدند و دور کردن آنها را از دولت نیز برای استقرار نظم و امنیت در افغانستان مؤثر نمی‌دانستند و حتی به یکبارگی کنار زدن شان را ممکن هم نمی‌دیدند.

از جانب دیگر در آغاز تشکیل دولت، کمبود پرسونل اداری و فنی در حدی بود که به گفته آقای کرزی در ارگ حتی برای نوشتن یک موضوع، فردی که بتواند خوب بنویسد و کسی که در ست تایپ کند وجود نداشت. کسانی که در افغانستان بودند همه در خیال بدست آوردن جای بلند و چوکی‌های پر در آمد و پرکردن جیب‌های خود بودند، به همین نسبت چور و چپاول در همه نهادها به وجود آمد و به سرعت رشد کرد که تا حال ادامه دارد. اما با آنهم به کمک امریکا و دیگر کشورهای کمک‌کننده رفته رفته کارهای زیادی در زمینه‌های مختلف تعلیمی، ساختمانی، تجارتي، اقتصادی و غیره به راه افتاد و دو دوره انتخابات پارلمانی و ریاست جمهوری نه چندان شفاف ولی تا حدودی قناعت بخش صورت گرفت.

مگر در انتخابات ریاست جمهوری بین دوکتور اشرف غنی و دوکتور عبدالله که منجر به بحران گردید و سر انجام با وساطت وزیر خارجه امریکا طرح (حکومت وحدت ملی) و اداره ای به نام ریاست اجرایی و تقسیم قدرت پنجاه، پنجاه در صد بین دو طرف تجویز گردید، به رغم هر نوع تخریب کاری از سوی جناح دوکتور عبدالله از داخل و خارج دولت با آنهم رئیس جمهور اشرف غنی شب و روز سعی و تلاش ورزیده کار های اساسی مثل زیر بنا های اقتصادی، مکاتب، پوهنتون ها، بندهای آب و برق، سرک سازی، ایجاد بندر زمینی از طریق ترکمنستان، ترکیه و اروپا، و به کمک دولت هند ایجاد راه بحری یعنی بندر چاه بهار در کشور ایران که افغانستان را پس از سال ها از وابستگی ترانسپورت زمینی و بحری به پاکستان رها ساخته و زمینه بهره برداری را فراهم نموده است.

همچنان در جهت دولت سازی مدرن کار های زیادی بعمل آمده که تنها در حدود شانزده هزار صاحب منصبان و جنرالان به اصطلاح پویکی متکی به پایه های قومی را از وزارت دفاع ملی و وزارت داخله کنار زده و یا به تقاعد سوق داده است و در عوض عناصر جوان و تحصیل کرده و مجهز به فن و کار آیی جدید جاگزین شده اند. در نهاد ها و ادارات ملکی نیز عناصر سنتی و انحصار گران و میراث خواران قدرت قومی چون ضیاء مسعود، عبدالرشید دوستم، قوماندان اسمعیل خان، عطا محمد نور مشهور به پادشاه بلخ و عده ای زیاد دیگری را از مقامات دولت بیرون نموده، همچنان زنان را طبق شایستگی شان در کرسی های مسلکی و اداری ارتقا داده و دور و بر داکتر عبدالله را چنان خالی ساخته که غیر از فیشن و یگان سفر و حرف های تکراری کار و صلاحیت دیگری برایش باقی نمانده است.

و بی جهت نیست که مدیر مسئول روز نامه دان پاکستان نوشته است: «محمد اشرف غنی شخص معمولی نیست او در حال ساخت چهار راه اقتصادی آسیا در افغانستان و به واقعیت یک شخصیت ملی آگاه و عشق سرشار به اعتلای کشور دارد و . . .»

اما مذاکره صلح زلمی خلیل زاد به نمایندگی از دولت امریکا با طالبان بیشتر از هر وقت دیگر این احساس خطر را در میان مردم به وجود آورده که مبادا زیر نام صلح در توافق با طالبان از طریق تشکیل حکومت موقت چنان پس پسکی بر گشت صورت گیرد که بار دیگر مردم و کشور دچار وضعیت سال ۲۰۰۱ شده و باز هم با همان چهره های جنگسالار و آتش افروزان خادم دولت های دشمن افغانستان که جز دعوی برسر قدرت و خلق بحران دیگر کاری از آنها ساخته نیست، قرار گیرد.

در مورد صحبت آقای حمدالله محب مشاور امنیت ملی که روز ۲۰۱۹/۰۳/۱۵ گفته است: «زلمی خلیل زاد با مشروعیت زدایی از حکومت افغانستان در پی رسیدن به قدرت در افغانستان است» صحبت مذکور ناشی از مذاکرات مبهمی است که زلمی خلیل زاد نماینده دولت ایالات متحده امریکا با طالبان سخن را بجایی رسانده اند که با طرح دولت موقت موجودیت دولت افغانستان را زیر سوال برده و به هر فکر و حدس و گمانی در میان مردم دامن زده است. بنابراین سخنان آقای محب بحیث مسئول نهاد شورای امنیت ملی بی مورد نبوده، اما افراد و جناح های مخالف رئیس جمهور از داخل و خارج سخنان وی را بهانه قرار داده خلاف منافع کشور تعبیر کرده، شروع به تبلیغات زهر آگین نموده اند.

سخنان آقای محب به هیچ وجه نا مناسب و خلاف منافع کشور نبوده بلکه معترضان بخاطری چنین تبلیغ می کنند که خود از قدرت سیاسی بدور مانده اند و در حقیقت امر برای اینکه خود را دایی مهربانتر از مادر به طالبان و نزدیک به سیاست های امریکا و پاکستان در قبال افغانستان نشان دهند، چنین اعتراضاتی را به راه انداخته اند. اگر چنین نباشد پس چگونه یک دولتی را که هژده سال از تشکیل آن می گذرد و به بسیار دشواری تا کنون کمی نهاد های آن ریشه گرفته بخصوص نهاد های امنیتی آن که توانسته اند بجای بیش از یکصد هزار نیروهای ایتلاف بین المللی علیه گروه های تروریستی با شهادت و قاطعیت مبارزه نمایند، نادیده گرفته و دولت را بمثابه یک تیم در ردیف طالبان مزدور و جنگسالاران قرار دهند و یا چنان از دست آورد های دولت چشم پوشی نمایند که گویا اصلاً هیچ کاری صورت نگرفته باشد، که صحبت حکومت موقت را مطرح می نمایند و معلوم هم نباشد که در رأس آن حکومت چه کسی و یا کدام نهادی قرار داشته باشد؟

به این ارتباط داکتر عبدالله در بازی دو پهلوی همیشگی خود نیز در جمع اعتراض کنندگان علیه آقای محب مشاور امنیت ملی پیوسته چون در این اواخر در اثر از دست دادن حمایت شورای نظار و جمعیت اسلامی کاملاً زیر پایش خالی شده است، وی که تا چند روز قبل همواره از موضع رئیس جمهور غنی طرح حکومت موقت را رد می کرد و روی انتخابات اصرار می ورزید، اکنون که می بیند جناح اشرف غنی روی برنامه مذکرات خلمی خلیل زاد اختلاف پیدا کرده است، دفعتاً یکصد و هشتاد درجه تغییر موضع داده حرف های گذشته خود را نادیده گرفته و روز جمعه ۲۰۱۹/۰۳/۱۷ با اگر و مگر حکومت موقت را تائید کرد و بدین ترتیب خود را موافق با برنامه مذاکره خلمی خلیل زاد نشان داد. به این آرزو و امید که هرگاه حکومت موقت با شرکت طالبان و دیگر جنگسالاران به راه افتد، او از نظر تصمیم گیرندگان به دور نماند.

مذاکره صلح خلّمی خلیلزاد با طالبان بیشتر از همه باعث خوشحالی و پیروزی دولت پاکستان شده است، چنانکه عمران خان صدراعظم آن کشور روز ۲۰۱۹/۰۳/۱۵ در جرگه ای در میان مردم قبایلی باجور در نزدیکی سرحد افغانستان، گستاخانه مثلیکه رهبر مردمان دو طرف خط دیورند باشد، گفته است: «به زودی جنگ پایان یافته و یک حکومت خوب در افغانستان ایجاد خواهد شد، حکومتی که از همه افغان ها نمایندگی کرده و صلح در آن کشور تأمین شود. . . » سخنان مذکور با اعتراض تند بسیاری افغان ها روبرو شده است، و وزارت خارجه افغانستان این اظهارات عمران خان را مداخله در امور داخلی افغانستان دانسته و در پیوند به آن نماینده سفارت پاکستان در کابل را احضار و نامه ای احتجاجیه ای را به وی سپرده است.

آنچه از مذاکرات خلّمی خلیلزاد با طالبان استنباط می شود واقعاً موقف دولت در حد یک تیم مد نظر قرار گرفته شده است و از موضوع انتخابات طبق قانون اساسی اصلاً سخنی در میان نیست، بی تفاوتی امریکا در قبال دولت افغانستان و قانون اساسی، آینده کشور را در ابهام قرار داده است، گرچه دولت در این سردرگمی و تشویش از آینده، تا جایی که ممکن بوده تپ و تلاش به خرج داده مثلاً وزیر دفاع خود را برای جلب حمایت دولت هند به آن کشور فرستاده و پس از اطمینان هر نوع کمک مورد ضرورت از سوی دولت مذکور، در این روزهای نزدیک هیاتی را هم به ایران فرستاده تا بدینوسیله به امریکا و پاکستان بفهماند که اگر عملاً دولت افغانستان را تحت فشار قرار دهند از این دو طریق به رفع نیازمندی های خود خواهند پرداخت و اجازه نخواهد داد این همه قربانی را که سال ها مردم متحمل شده اند، فدای خواست دونالد ترامپ که در خیال بار دوم رسیدن به ریاست جمهوری امریکا و خواست طالبان و حکومت پاکستان نماید.

موضوع تازه ای که گفته می شود بعد از سفر یک تعداد نخبگان و سران قومی به روسیه قرار بوده عطا محمد نور والی سابق بلخ در توافق با عده دیگری از جنگسالاران از طریق به راه اندازی حرکت های اغتشاش آمیز در بلخ، در پی آن بوده اند که به آن گونه حکومت موقت و یا خود مختاری مناطق شمال کشور را اعلام نمایند. نزدیک به واقعیت بودن این موضوع از سخنان والی جاگزین عطا محمد نور در بلخ که از طریق تلویزیون طلوع پخش شد به خوبی پیداست. خوش بختانه دولت با اطلاع از این دسیسه، با یک پلان سنجیده و دقیق تحت رهبری وزیر دفاع و داخله همراه با یک تیم کماندو و چند پروند هلیکوپتر به آنجا رفته که پس از یک درگیری مختصر با کشته شدن یک نفر و زخمی شدن هژده نفر طرح شوم و خائینانه به شکست مواجه شد و به جای قوماندان امنیه سابق فرد دیگری را که از کابل با خود آورده بودند به پست قوماندانی آن ولایت گماشته و وزیرای مذکور موفقانه به کابل برگشتند. و اینک رئیس جمهور به مناسبت تجلیل از نروز باستانی به بلخ رفته از موضع قدرت با افتخار سخنرانی نمود. اشاره به واقعه اخیر در بلخ به این لحاظ صورت گرفت تا آنهایی که هیچ قدرت و توانی در دولت نمی بینند و روی آن حساب نمی کنند دریابند که چنین نیست، بلکه بخصوص نیروهای امنیتی بیشتر از هر وقت دیگر مجهز از صاحب منصبان جوان و تحصیل کرده و تجهیزات خوب نو سازی و آماده دفاع از هر حرکت خلاف منافع ملی هستند.

از نظر دور نداریم که صحبت آقای محب مشاور امنیت ملی که مسلماً در توافق با رئیس جمهور می باشد در برابر مذاکرات مبهم و تشویش بر انگیز خلّمی خلیلزاد کاملاً بر حق بوده و اگر مقامات و نهادهای دولت در همچو مواقع و زد و بند ها و حرکت های منفی داخلی و خارجی از خود عکس العمل لازم را نشان ندهد، یک دولت خاموش و بی عمل را نه امریکا و نه هیچ دولت دیگر و حتی افراد و گروه های داخلی هم تحویل نمی گیرند.

آنچه باعث راه اندازی این مذاکرات با طالبان شده معلوم است که بیشتر از هر چیز "دونالد ترامپ" رئیس جمهور ایالات متحده امریکا خواسته با راه اندازی این مسایل و تبلیغات عوام فریبانه می خواهد برای بار دوم به ریاست جمهوری آن کشور برسد، به این مقصد قبلاً و عده ای انجام دو مسأله مهمی را که به مردم امریکا داده بود همانا ساخت دیوار در سرحد میان امریکا و مکزیکو و پایان بخشیدن به طولانی ترین جنگ در افغانستان بوده است. بناً از آنجائیکه بیش از پنج شش ماه دیگر به مبارزات میان دوره ای و یا میان حزبی آن کشور باقی نمانده است، باید این دو مسأله را پیش کشد و به همین نسبت در قسمت پایان بخشیدن به جنگ افغانستان، به نمایندگی از وزارت خارجه امریکا خلّمی خلیلزاد را گماشته تا با رهبران طالبان در دوحه پای تخت قطر مسائل را دنبال نماید. اینکه مذاکره صلح جنبه عملی را به خود خواهد گرفت یا خیر چندان برایش مهم نیست ولی او می خواهد از این موضوع به عنوان موفقیت در تبلیغات به نفع خود استفاده نماید.

و اینکه رهبران دولت پاکستان چگونه راضی شده اند با امریکا همکاری کرده پای طالبان را به مذاکره بکشند، شاید دریافته باشند که در این فرصت بیش از این حمایت از فعالیت های تروریستی طالبان در افغانستان به نفع نبوده زیرا متوجه اند که جهان دریافته که منبع اصلی تروریسم پروری پاکستان بوده و آن دولت نزد همه اعتبارش را باخته، چنانکه از دوسال بدینسو بسیار تجرید شده و کمک های امریکا را نیز از دست داده است. پس احتمالاً به این دلیل حاضر شده خواهند بود پای طالبان را به مذاکره بکشند که هم فشار ها را بالای پاکستان کم کرده و هم در عوض با دریافت صد ها میلیون دالر جیب های خود و رهبران طالبان را نیز پر نموده و بالاخره شاید مهمتر از هر چیز به

این دلیل که رهبران پاکستان دریافته اند، اگر بیش از این به جنگ در افغانستان ادامه دهند بدون حمایت امریکا ممکن رهبری طالبان را روسیه و ایران بدست گرفته علیه پاکستان، امریکا و عربستان سعودی از آنها استفاده نمایند.

از جمع‌بندی قسمت اول و دوم من به این نتیجه و باورم :

۱ - رئیس‌جمهور اشرف غنی به تشکیل حکومت مؤقت تحت رهبری طالبان و هیچ‌یک جنگسالار دیگر تن نخواهد داد و نفوذ پاکستان را در افغانستان نخواهد پذیرفت.

۲ - رهبران نظامی و ملکی پاکستان می‌دانند که طالبان به غیر از اتکا به احکام دین و شریعت اسلام در شرایط موجود چیزی و دانشی برای حکومت کردن با دیگران در افغانستان ندارند که بتوانند نقشی را به نفع پاکستان بازی نمایند. بناً خواست پاکستان اینست یا طالبان باید در رأس حاکمیت افغانستان باشند و یا کماکان جنگ ادامه داشته باشد.

۳- دولت ایالات متحده امریکا هم حاضر نخواهد شد به خواست طالبان رهبری دولت افغانستان را بدست آنها و غیر مستقیم بدست پاکستان بگذارد، چنانکه "پاتریک شاناهن" سرپرست وزارت دفاع امریکا در کنفرانس بروکسل گفته که هیچ‌گونه خروج بالقوه نظامیان امریکایی از افغانستان به تنهایی صورت نمی‌گیرد. و امریکا به تنهایی نیروهایش را در افغانستان کاهش نخواهد داد. دولت‌های عضو ناتو هم بارها مخالفت‌شان را به استقرار نوع حکومت طالبانی در افغانستان اظهار داشته‌اند. پس خروج کامل قوای امریکا و ناتو به این زودی قبل از آغاز مبارزات انتخاباتی امریکا ممکن نخواهد بود، حتی تا قبل از سال ۲۰۲۴ و تا آن زمان از حالا تحولات مثبتی که در جریان است، بی‌تردید چهره افغانستان و منطقه کاملاً عوض خواهد شد.

پایان

تذکر:

هرگاه خوانندگان محترم متمایل باشند که نبشته‌ها و مطالب دیگری از این نویسنده معزز و قلم بدست شناخته شده افغانستان را مطالعه کنند، می‌توانند با اجرای "کلیک" بر عکس نویسنده در صفحه مقالات، به فهرست "آرشیف" شان رهنمائی شوند.

صلح امریکا با طالبان بمفهوم معامله چوپان با گرگان! (۲)

Barez_naym_solh_usa_maamelae_gorg_wa_tshopaan_۲.pdf